

ارسطو

# اخلاق

ترجمة: رضا مشايخي



مؤسسة انتشارات نگاه

«تأسيس ۱۳۵۲»

## فهرست مطالب

۷	زندگی و آثار و اندیشه‌های ارسطو
۳۳	گفتاری از مترجم
۴۱	کتاب اول. در خیر و سعادت
۷۵	کتاب دوم. فضیلت
۹۹	کتاب سوم. دنباله فضیلت: شجاعت و اعتدال مزاج
۱۳۷	کتاب چهارم. سایر فضایل
۱۷۵	کتاب پنجم. عدالت
۲۱۳	کتاب ششم. فضایل عقلانی
۲۴۱	کتاب هفتم. عدم اعتدال و لذت
۲۸۱	کتاب هشتم. دوستی
۳۱۷	کتاب نهم. دنباله دوستی
۳۵۱	کتاب دهم. خوشی و سعادت واقعی
۳۸۹	ضمیمه نخست بر کتاب اخلاق نیکوماخس
۳۹۱	قسمت اول. مسئله اخلاق در دنیای قدیم
۳۹۲	اخلاق قبل از ظهور حکیمان
۳۹۷	سقراط، اخلاق عملی، تعلیم فضیلت
۳۹۸	اخلاق نظری، مقرون بودن فضیلت با علم و سعادت

افلاطون، فضایل، اصولشان ناشی از عقل است و وحدتشان در عدالت	۴۰۱
غایت خیر و نیکی و عوامل آن، لذت دانش، تقوا و سعادت، کیفر گناه	۴۰۴
ارسطو، قانون اخلاقی: تقوا و سعادت، فضایل: عدالت و دوستی زندگانی...	۴۰۸
خصوصیات اخلاقی، پس از ارسطو، اخلاق فردی	۴۱۷
پیشگامان اپیکور، مکتب سیرنائیک	۴۱۷
اپیکور، تعریف لذت، لذاپذ روح، نظریه راجع به امیال، تقوا	۴۱۹
پیشگامان رواقیان؛ کلیبی ها، دفاعیه از کوشش و همت؛ پیرون، بی اعتنایی مطلق	۴۲۴
رواقیان؛ طبیعت و اراده، اخلاق فردی، عقل، اخلاق اجتماعی، حقوق طبیعی	۴۲۶
تعالیم اپیکور (اپیکوریسم) در رم، لوکرس، مسلک رواقیان در رم	۴۳۴
اپیکتت، مارک اورل؛ تسلیم و توکل مذهبی	۴۳۸
افلاطونیان جدید، اخلاق عرفانی، توجه به خداپرستی، فضایل علمی	۴۴۰
خصوصیت اخلاق در دنیای قدیم: مفهوم تکلیف و وظیفه	۴۴۴
قسمت دوم. مسئله اخلاق در دوران جدید	۴۴۷
۱. اخلاق در عالم مسیحیت: ایمان، امید، احسان	۴۴۷
۲. اخلاق در قرون وسطی: وجدان اخلاقی	۴۵۰
دکارت: اخلاق تجربی (استقرایی): روح و اتحادش با جسم، نشئه روح، علم و حسن نیت	۴۲۳
مالبرانش، مناسبات تکامل، عشق به انتظام	۴۶۲
اسپینوزا، ترتب: به مفهوم مطلق نه خیری وجود دارد و نه شری، عافیت	۴۶۶
لا یبیتس؛ خیر محض، غریزه اخلاق و عقلانی: طبیعت و فضل الهی، نظریه عشق	۴۷۳
سیستم های اخلاقی مبتنی بر انتفاع: «هابس؛ نفع شخصی؛ «هلوتیوس»»	۴۷۸
بنتام؛ حساب اخلاقی: نفع عام	۴۸۳
اخلاق مبتنی بر احساس: مفهوم اخلاق، غریزه اخلاق آدم اسمیت — تمایل طبیعی	۴۸۶
کانت: اخلاق مبتنی بر اصل تکلیف تبدیل صورت قانون به ماده، استقلال اراده	۴۹۲
«استوارت میل»: کیفیت لذاپذ، خودپسندی و نوع دوستی	۴۹۸
«هربرت اسپنسر»: دست تقدیر اخلاق	۴۸۲

قسمت سوم. مسئله اخلاق در قرن نوزدهم و بیستم	۵۰۷
فلسفه اولی آلمانی و مسئله اخلاق	۵۰۹
فلسفه تحققی اوگوست کنت	۵۱۲
شارل رنوویه و علم اخلاق	۵۱۷
اخلاق و مفهوم زندگانی: گویو، نیچه، اخلاق عملی (مبتنی بر خود قضا یا)	۵۲۱
فرردریک نیچه	۵۲۳
مکتب اجتماعی: علم رفتار و کردار	۵۳۲
جنبه علمی و باطن بینی در اخلاق	۵۳۷
لغات و اصطلاحات	۵۴۳

## فصل اول

۱. چنین به نظر می‌رسد که هر ابداع هنری و هر جستجو و همچنین هر عمل و کنکاش اندیشمندانه، در جهت سود و خیری است و به همین دلیل، حق داشتند که خیر را غایتی<sup>۱</sup> دانند که در همه احوال به آن رو آورند<sup>۲</sup>، گرچه، به نظر، بین غایات، اختلافاتی وجود دارد.

۲. برخی اوقات، پرداختن به فن معینی، در نفس خود غایتی است و برخی از موارد، غایت عبارت است از نتیجه و محصولی که علاوه بر اشتغالات به دست می‌آید. در فنونی که غایات آنها جدا از پرداختن به آنها است، نتایج حاصله از عمل، به طور طبیعی مهم‌تر از خود اشتغالات است.

۳. از آنجا که اشتغالات، هنرها، و علوم متعددند غایات نیز به اجبار متعددند: سلامت، غایت و هدف پزشکی؛ کشتی غایت ساختمان دریایی؛ پیروزی غایت نبرد؛ ثروت غایت فن تدبیر منزل است.<sup>۳</sup>

۴. همه اشتغالات و همه این‌گونه فنون اختصاصی، تابع یک علم اصلی است: مثلاً ساختن افسار و آنچه مربوط به لوازم سوارکاری است به علم سواری وابسته است. این فنون به‌نوبه خود و همچنین هر عمل جنگی، مربوط به علم جنگ و به همین

---

۱. خیر Bien، غایت Fin.

۲. معلوم نیست این تعریف از کیست — ارسطو در تألیف خود پیوسته به آن توجه دارد (مترجم فرانسوی).

۳. تدبیر منزل، اقتصاد: Economie.

قرار است فنون مشابه که وابسته به فنون دیگرند. بدین قرار هدف‌های کلیه علوم سازمان‌دهنده<sup>۱</sup> مهم‌تر از غایات علوم تابعه هستند.<sup>۲</sup>

۵. به نسبت تحولات علوم سازمان‌دهنده است که علوم وابسته را پیروی می‌نمایند — مهم نیست که خود اشتغالات، هدف اعمال ما باشد، یا آنکه نتیجه دیگری — علاوه بر آنچه که در علوم ذکر شد، جستجو نمایند.

## فصل دوم

اگر راست باشد که بین غایات، یک غایت است که نهایتاً مطلوب ما است، در صورتی که دیگر غایات، فقط به مناسبت آن هدف اولی مورد نظر ما می‌باشد، و باز اگر درست باشد که ما نمی‌خواهیم، در همه اوضاع و احوال، از نتیجه‌ای، نتیجه‌ای دیگر را کسب نماییم — زیرا در بی‌نهایت سردرگم شده و تمایلاتمان خالی از وجه و مهمل می‌ماند، واضح است که هدف آخری ممکن است — خیر، حتی خیر محض باشد.

اگر چنین وضعی پیش آید، باید بکوشیم، ولو به نحو اختصار ماهیت این خیر را مشخص کرده و بگوییم که موضوع آن علم نظری یا عملی است.

ممکن است به نظر برسد که این امر مرتبط به علم اصلی و بی‌نهایت سازمان‌دهنده است. ولی به صورت ظاهر، چنین علمی (علم اعلا) سیاست است — سیاست معلوم می‌دارد که کدام علوم در دولت‌ها ضروری و کدام دانش را باید عامه مردم کسب نمایند و تا چه حدودی فراگیرند — مگر نمی‌بینیم که ارجمندترین علوم، مانند علم نظام، تدبیر منزل و خطابه، تابع علم سیاست هستند؟

از آنجا که علم سیاست از دیگر علوم بهره می‌برد و معین می‌کند که مردم باید چه کارهایی را انجام و از چه کارهایی احتراز جویند، غایت این علم شامل غایات دیگر علوم است و از این رو، خیر باید هدف نهایی علم سیاست باشد.

و اگر خیر فرد، منطبق بر خیر کشورش باشد، به نظر بسیار مهم‌تر و گرامی‌تر و با هدف‌های واقعی سازگارتر است، چه در این صورت، مصالح مُلک را مد نظر داشته و در حرمت و احترامش می‌کوشند. مسلم است که خیر، اگر شامل شخص تنهایی باشد، نیکو است ولی اگر مناقبش، شامل قومی باشد به مراتب زیباتر و ارجمندتر است.

## فصل سوم

اینست هدفی که در تحقیق حاضر ما، که به یک معنی کتابی است در سیاست تعقیب می‌شود. و اگر موضوعی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، در هر نکته به دقت کنکاش نمایند، به حد کافی کامل می‌شود.

۱. در واقع در تألیفاتی که بنایشان بر موازین روحی است، نباید دقت برابری را انتظار داشت، کما آنکه در تمام حرفه‌های دستی، چنین انتظاری روا نیست.

۲. در واقع چون زیبا و درست محک نقد در سیاست قرار گیرند، در حین تعبیر دچار تناقضات می‌شود که آنقدر دامنه‌دار و در معرض خطا و لغزش است که گویی از قانون ناشی شده‌اند، نه اینکه اثراتی از طبیعت باشند.

۳. و همین امر توضیحی در برابر تناقضاتی در انواع نعمت‌ها است که بارها منشاء زیان بوده است — به دفعات اتفاق افتاده که ثروت در بعضی اشخاص مایه تباهی آنها گردیده، در صورتی که در برخی دیگر جرأت و شهامتشان را از بین برده است.

۴. پس باید از کسانی که از این مقولات بحث و از این اصول آغاز می‌کنند، اگر حقیقت را به نحو خشن و مجمل نمایان می‌سازند، اظهار رضایت کرد و اگر منحصراً از واقعیات و نتایج عمومی گفتگو می‌شود نتایج به دست آمده فقط جنبه عام دارد. همچنین باید هر یک از قضایایی که مطرح می‌کنیم، با همین مفهوم استنباط شوند.<sup>۱</sup> در واقع مرد دانا، در هر نوع جستجو مترصد است که درجه دقت متناسب با کیفیت موضوع باشد. در غیر این صورت،

۱. در صورتی که بیشتر مؤلفین اخلاق، بر عکس دم از علم اخلاق می‌زنند.

۱. علوم سازمان‌دهنده: Science Architectoniques

۲. علوم تابعه: Science Subordonnees